

بایدن؛ از وعده

بازگشت به برجام

تا فشار به اروپا

برای تحریم ایران

■ **امین رضایی**

بعد از گذشت حدود سه ماه از ورود جو بایدن به کاخ سفید، سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال توافق هسته‌ای روز به روز در حال محرز شدن است. علیرغم تمامی انتقادات دموکرات‌ها به سیاست فسخار حداکثری دونالد ترامپ، دولت جو بایدن تقریباً همان مواضع اعلامی و نوع گفتاری کرده است. اگر چه تا حدی مواضع اعلامی و نوع گفتاری مقامات آمریکایی در این مدت تغییر کرده‌اما سیاست اعمالی تغییری نداشته است. از دیدگاه ساکنان جدید کاخ سفید برجام می‌باید در راستای برطرف کردن خواسته‌های آنها تثبیت یابد و توافق هسته‌ای حتی دیگر کف اهداف آنها نیز تأمین نمی‌کند. این موضوع در نخستین کنفرانس خبری بایدن نیز تا حدی انعکاس داشت به گونه‌ای که اگر چه او با هیچ پرسشی درباره موضوع برجام مواجه نشد اما ظاهراً خودش هم هیچ میلی به سخن گفتن در این باره نداشت !

در این بین همگرایی جدی بین دو سوی آتلانتیک بوجود آمده و اتحادیه اروپا و آمریکا همزمان از لزوم تغییر و لحاظ شدن اهداف زیاده‌طلبانه خود سخن گفته‌اند. به نظر می‌رسد اروپایی‌ها و آمریکایی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که تعمل در احیای برجام می‌تواند به پذیرش خواسته‌های آنها از سوی ایران منجر شود. در مقابل ایران همیشه تاکید داشته اصرار و عجله‌ای نداشته و برای امریکا به توفیق حاکمیت ندارد. نکته قابل تامل تقسیم کار اروپا با دولت جدید آمریکا برای منفعل کردن ایران در جریان مذاکرات و قرار دادن ایران از موضع طلبکار به موضع بهدکار است. در همین راستا اتحادیه اروپا طی روزهای اخیر دور جدیدی از تحریم‌ها علیه ایران از آغاز و چند فرد و نهاد ایرانی را در لیست تحریم‌های خود قرار داد.

نکته مهم اینکه این اولین تحریم حقوق‌ بشری اروپا علیه ایران از ۲۰۱۶ بدین‌سو است. نکته مهم‌تر اینکه بیانیه‌های تحریم به حواله‌ی بازمی‌گردد که در دوران ترامپ رخ داده ولی اتحادیه اروپا در زمانه استنفار بایدن، تصمیم به افزایش تحریم‌های حقوق‌ بشری گرفته است.

در عین حال شمارها و مواضع لفظی دولت بایدن درخصوص احیای برجام، اهمیت موضوع جلب نظر ایران را کاهش داده و به همین دلیل تصمیم به نادرم شمارها در پرونده‌های دیگر از جمله با ادعای حقوق بشری علیه ایران گرفته‌اند. این درحالی است که اساساً مقامات اروپایی و آمریکایی خود برزگ‌ترین نقضان حقوق بشری محسوب می‌شوند و کسی مانند «تام جاکسون» استاد دانشگاه‌های آمریکا در کتاب‌هایش به موارد بسیاری از نقض حقوق بشر توسط آمریکا در سراسر جهان با کدز مصادیق اشاره کرده است.

دیگر اینکه روسای جمهور آمریکا در موارد مختلفی از جمله سرویش گذاشتن بر پرونده‌های فساد خود با یکدیگر می‌پوششانی دارند. بر اساس شواهد تاریخی از کارتر و ریگان گرفته تا بوش پدر و پسر ، کلینتون و اوباما تا ترامپ هر کدام در زمان ریاست جمهوری خود با اتهامات مالی خود یا اعضای خانواده شان روبرو بوده‌اند و تنها بخش‌هایی از این فسادهای مالی در زمان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری آشوده شده و کاندیدبدهای علیه یکدیگر دست به افشاکاری زده‌اند.

آخرین نمونه آن هم مربوط به انتخابات ۲۰۲۱ آمریکا بود که دونالد ترامپ و جوایبدن در مناظره‌ها دست به افشاکاری زده و یکدیگر را به فساد مالی متهم کردند. در جریان انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری آمریکا که به شکست ترامپ و پیروزی بایدن انجامید، دونالد ترامپ مسئله فعالیت‌های اقتصادی هانتز بایدن، فرزند جو بایدن در اروپا را به دفعات پیش کشید و می‌گفت «میل‌های وحشتناکی» وجود دارد که نشان می‌دهد خانواده بایدن با چطور پول‌هایی سر و کار دارند.

درهمان مقطع مقامات قضایی در کشور اوکراین نیز پرونده‌ای درخصوص بایدن به جریان انداخته‌اند که بر اساس اسناد موجود، جو بایدن به فساد گسترده در خاک اوکراین محکوم شده است. البته ترامپ که خود یکی از فاسدترین روسای جمهور آمریکا لقب گرفته است برای این افشاکاری هزینه سنگینی پرداخت و دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان به رهبری «نانسی بلسی» حتی تلاش کردند تا به این بهانه ترامپ را تبدیل به چهارمین رئیس‌جمهور استیضاح‌شده این کشور بعد از «اندرو جکسون»، «ریچارد نیکسون» و «بیل کلینتون» تبدیل کنند.

ماجرای فساد خانوادگی بایدن در اروپا از انجا شروع شد که در سال ۲۰۱۴ جو بایدن به عنوان معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا رهبری‌کننده اعتراضات هدایت‌شده از طرف غرب در میدان «روپا» در کیف را برعهده داشت که به برکناری ویکتور یانوکویچ رئیس‌جمهور اوکراین انجامید، اما اعلام استخدام پسر او، هانتز بایدن در یک شرکت سرشاس حوزه گاز طبیعی در اوکراین منازحه‌آفرین شد.

سروان شدن یانوکویچ دولت اوپاما را بر آن داشت تا سریعاً به سراغ عمیق‌تر کردن روابطش با دولت جدید اوکراین برود. جو بایدن در این روند یک نقش رهبری‌کننده ایفا کرد و بر این راستا به اوکراین سفر کرد و بارها با رئیس‌جمهور جدید متمایل به غربی که بعد از سرنگونی یانوکویچ در تاجرای روی کار آمد گفت‌وگو انجام داد. مشخص شدن نقش تجاری پسر جوبایبدن در اوکراین باعث نگرانی آن دسته از فعالان ضد فساد شد که معتقد بودند شرکت بورisma یودینگز به دنبال افزایش نفوذ دموکرات در اوکراین است. حقوق خود هانتز بایدن در شرکت بورisma انرژی به ۱۰ هزار دلار در ماه می‌رسید که برای یک مدیر حتی در قامت شرکت‌های بزرگ آمریکایی نیز زیاد است. اما اندکی بعد، این انتصاب‌ها و سرمایه‌گذاری‌های نتیجه‌ی خود را نشان داد.

بنا بر شواهد ، دخالت جو بایدن رئیس‌جمهور فعلی آمریکا در برکناری دادستان کل اوکراین در زمان ریاست‌جمهوری پترو پوروشکو واضح است. بایدن یک مهلت ۶ ساعته برای برکناری او تعیین کرده و دلیل آن را عدم اعتماد جدی وی به مبارزه با فساد ذکر کرده بود. در صورتی که اوکراین از این کار سر باز می‌زد، از کمک یک میلیارد دلاری به اوکراین خبری نمی‌شد. انتصاب دادستان جدید یوری لوتسنکو به سرعت توانست اثرات دهد. شرکت بورسما علیرغم محرز بودن پرونده فساد توانست مجوزهای تولید نفت و گاز خود را حفظ و در سال ۲۰۱۷ از اتهام عدم پرداخت مالیات به طور کامل تبرئه شود. با تغییر دولت اوکراین اما برخی از پرونده‌های سابق بازاریابی شده‌اند و یوری لوتسنکو که بسیاری از پرونده‌های مرتبط با هلدینگ بوريسما را محتومه اعلام کرده بود از سوی برخی نمایندگان مجلس اوکراین به همکاری با مالیای انرژی متهم کردند.

■ **امین رضایی**

بعد از گذشت حدود سه ماه از ورود جو بایدن به کاخ سفید، سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال توافق هسته‌ای روز به روز در حال محرز شدن است. علیرغم تمامی انتقادات دموکرات‌ها به سیاست فسخار حداکثری دونالد ترامپ، دولت جو بایدن تقریباً همان مواضع اعلامی و نوع گفتاری کرده است. اگر چه تا حدی مواضع اعلامی و نوع گفتاری مقامات آمریکایی در این مدت تغییر کرده‌اما سیاست اعمالی تغییری نداشته است. از دیدگاه ساکنان جدید کاخ سفید برجام می‌باید در راستای برطرف کردن خواسته‌های آنها تثبیت یابد و توافق هسته‌ای حتی دیگر کف اهداف آنها نیز تأمین نمی‌کند. این موضوع در نخستین کنفرانس خبری بایدن نیز تا حدی انعکاس داشت به گونه‌ای که اگر چه او با هیچ پرسشی درباره موضوع برجام مواجه نشد اما ظاهراً خودش هم هیچ میلی به سخن گفتن در این باره نداشت !

در این بین همگرایی جدی بین دو سوی آتلانتیک بوجود آمده و اتحادیه اروپا و آمریکا همزمان از لزوم تغییر و لحاظ شدن اهداف زیاده‌طلبانه خود سخن گفته‌اند. به نظر می‌رسد اروپایی‌ها و آمریکایی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که تعمل در احیای برجام می‌تواند به پذیرش خواسته‌های آنها از سوی ایران منجر شود. در مقابل ایران همیشه تاکید داشته اصرار و عجله‌ای نداشته و برای امریکا به توفیق حاکمیت ندارد. نکته قابل تامل تقسیم کار اروپا با دولت جدید آمریکا برای منفعل کردن ایران در جریان مذاکرات و قرار دادن ایران از موضع طلبکار به موضع بهدکار است. در همین راستا اتحادیه اروپا طی روزهای اخیر دور جدیدی از تحریم‌ها علیه ایران از آغاز و چند فرد و نهاد ایرانی را در لیست تحریم‌های خود قرار داد.

نکته مهم اینکه این اولین تحریم حقوق‌ بشری اروپا علیه ایران از ۲۰۱۶ بدین‌سو است. نکته مهم‌تر اینکه بیانیه‌های تحریم به حواله‌ی بازمی‌گردد که در دوران ترامپ رخ داده ولی اتحادیه اروپا در زمانه استنفار بایدن، تصمیم به افزایش تحریم‌های حقوق‌ بشری گرفته است.

در عین حال شمارها و مواضع لفظی دولت بایدن درخصوص احیای برجام، اهمیت موضوع جلب نظر ایران را کاهش داده و به همین دلیل تصمیم به نادرم شمارها در پرونده‌های دیگر از جمله با ادعای حقوق بشری علیه ایران گرفته‌اند. این درحالی است که اساساً مقامات اروپایی و آمریکایی خود برزگ‌ترین نقضان حقوق بشری محسوب می‌شوند و کسی مانند «تام جاکسون» استاد دانشگاه‌های آمریکا در کتاب‌هایش به موارد بسیاری از نقض حقوق بشر توسط آمریکا در سراسر جهان با کدز مصادیق اشاره کرده است.

دیگر اینکه روسای جمهور آمریکا در موارد مختلفی از جمله سرویش گذاشتن بر پرونده‌های فساد خود با یکدیگر می‌پوششانی دارند. بر اساس شواهد تاریخی از کارتر و ریگان گرفته تا بوش پدر و پسر ، کلینتون و اوباما تا ترامپ هر کدام در زمان ریاست جمهوری خود با اتهامات مالی خود یا اعضای خانواده شان روبرو بوده‌اند و تنها بخش‌هایی از این فسادهای مالی در زمان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری آشوده شده و کاندیدبدهای علیه یکدیگر دست به افشاکاری زده‌اند.

آخرین نمونه آن هم مربوط به انتخابات ۲۰۲۱ آمریکا بود که دونالد ترامپ و جوایبدن در مناظره‌ها دست به افشاکاری زده و یکدیگر را به فساد مالی متهم کردند. در جریان انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری آمریکا که به شکست ترامپ و پیروزی بایدن انجامید، دونالد ترامپ مسئله فعالیت‌های اقتصادی هانتز بایدن، فرزند جو بایدن در اروپا را به دفعات پیش کشید و می‌گفت «میل‌های وحشتناکی» وجود دارد که نشان می‌دهد خانواده بایدن با چطور پول‌هایی سر و کار دارند.

درهمان مقطع مقامات قضایی در کشور اوکراین نیز پرونده‌ای درخصوص بایدن به جریان انداخته‌اند که بر اساس اسناد موجود، جو بایدن به فساد گسترده در خاک اوکراین محکوم شده است. البته ترامپ که خود یکی از فاسدترین روسای جمهور آمریکا لقب گرفته است برای این افشاکاری هزینه سنگینی پرداخت و دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان به رهبری «نانسی بلسی» حتی تلاش کردند تا به این بهانه ترامپ را تبدیل به چهارمین رئیس‌جمهور استیضاح‌شده این کشور بعد از «اندرو جکسون»، «ریچارد نیکسون» و «بیل کلینتون» تبدیل کنند.

ماجرای فساد خانوادگی بایدن در اروپا از انجا شروع شد که در سال ۲۰۱۴ جو بایدن به عنوان معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا رهبری‌کننده اعتراضات هدایت‌شده از طرف غرب در میدان «روپا» در کیف را برعهده داشت که به برکناری ویکتور یانوکویچ رئیس‌جمهور اوکراین انجامید، اما اعلام استخدام پسر او، هانتز بایدن در یک شرکت سرشاس حوزه گاز طبیعی در اوکراین منازحه‌آفرین شد.

سروان شدن یانوکویچ دولت اوپاما را بر آن داشت تا سریعاً به سراغ عمیق‌تر کردن روابطش با دولت جدید اوکراین برود. جو بایدن در این روند یک نقش رهبری‌کننده ایفا کرد و بر این راستا به اوکراین سفر کرد و بارها با رئیس‌جمهور جدید متمایل به غربی که بعد از سرنگونی یانوکویچ در تاجرای روی کار آمد گفت‌وگو انجام داد. مشخص شدن نقش تجاری پسر جوبایبدن در اوکراین باعث نگرانی آن دسته از فعالان ضد فساد شد که معتقد بودند شرکت بورisma یودینگز به دنبال افزایش نفوذ دموکرات در اوکراین است. حقوق خود هانتز بایدن در شرکت بورisma انرژی به ۱۰ هزار دلار در ماه می‌رسید که برای یک مدیر حتی در قامت شرکت‌های بزرگ آمریکایی نیز زیاد است. اما اندکی بعد، این انتصاب‌ها و سرمایه‌گذاری‌های نتیجه‌ی خود را نشان داد.

بنا بر شواهد ، دخالت جو بایدن رئیس‌جمهور فعلی آمریکا در برکناری دادستان کل اوکراین در زمان ریاست‌جمهوری پترو پوروشکو واضح است. بایدن یک مهلت ۶ ساعته برای برکناری او تعیین کرده و دلیل آن را عدم اعتماد جدی وی به مبارزه با فساد ذکر کرده بود. در صورتی که اوکراین از این کار سر باز می‌زد، از کمک یک میلیارد دلاری به اوکراین خبری نمی‌شد. انتصاب دادستان جدید یوری لوتسنکو به سرعت توانست اثرات دهد. شرکت بورسما علیرغم محرز بودن پرونده فساد توانست مجوزهای تولید نفت و گاز خود را حفظ و در سال ۲۰۱۷ از اتهام عدم پرداخت مالیات به طور کامل تبرئه شود. با تغییر دولت اوکراین اما برخی از پرونده‌های سابق بازاریابی شده‌اند و یوری لوتسنکو که بسیاری از پرونده‌های مرتبط با هلدینگ بوريسما را محتومه اعلام کرده بود از سوی برخی نمایندگان مجلس اوکراین به همکاری با مالیای انرژی متهم کردند.

در این بین همگرایی جدی بین دو سوی آتلانتیک بوجود آمده و اتحادیه اروپا و آمریکا همزمان از لزوم تغییر و لحاظ شدن اهداف زیاده‌طلبانه خود سخن گفته‌اند. به نظر می‌رسد اروپایی‌ها و آمریکایی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که تعمل در احیای برجام می‌تواند به پذیرش خواسته‌های آنها از سوی ایران منجر شود. در مقابل ایران همیشه تاکید داشته اصرار و عجله‌ای نداشته و برای امریکا به توفیق حاکمیت ندارد. نکته قابل تامل تقسیم کار اروپا با دولت جدید آمریکا برای منفعل کردن ایران در جریان مذاکرات و قرار دادن ایران از موضع طلبکار به موضع بهدکار است. در همین راستا اتحادیه اروپا طی روزهای اخیر دور جدیدی از تحریم‌ها علیه ایران از آغاز و چند فرد و نهاد ایرانی را در لیست تحریم‌های خود قرار داد.

نکته مهم اینکه این اولین تحریم حقوق‌ بشری اروپا علیه ایران از ۲۰۱۶ بدین‌سو است. نکته مهم‌تر اینکه بیانیه‌های تحریم به حواله‌ی بازمی‌گردد که در دوران ترامپ رخ داده ولی اتحادیه اروپا در زمانه استنفار بایدن، تصمیم به افزایش تحریم‌های حقوق‌ بشری گرفته است.

در عین حال شمارها و مواضع لفظی دولت بایدن درخصوص احیای برجام، اهمیت موضوع جلب نظر ایران را کاهش داده و به همین دلیل تصمیم به نادرم شمارها در پرونده‌های دیگر از جمله با ادعای حقوق بشری علیه ایران گرفته‌اند. این درحالی است که اساساً مقامات اروپایی و آمریکایی خود برزگ‌ترین نقضان حقوق بشری محسوب می‌شوند و کسی مانند «تام جاکسون» استاد دانشگاه‌های آمریکا در کتاب‌هایش به موارد بسیاری از نقض حقوق بشر توسط آمریکا در سراسر جهان با کدز مصادیق اشاره کرده است.

دیگر اینکه روسای جمهور آمریکا در موارد مختلفی از جمله سرویش گذاشتن بر پرونده‌های فساد خود با یکدیگر می‌پوششانی دارند. بر اساس شواهد تاریخی از کارتر و ریگان گرفته تا بوش پدر و پسر ، کلینتون و اوباما تا ترامپ هر کدام در زمان ریاست جمهوری خود با اتهامات مالی خود یا اعضای خانواده شان روبرو بوده‌اند و تنها بخش‌هایی از این فسادهای مالی در زمان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری آشوده شده و کاندیدبدهای علیه یکدیگر دست به افشاکاری زده‌اند.

آخرین نمونه آن هم مربوط به انتخابات ۲۰۲۱ آمریکا بود که دونالد ترامپ و جوایبدن در مناظره‌ها دست به افشاکاری زده و یکدیگر را به فساد مالی متهم کردند. در جریان انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری آمریکا که به شکست ترامپ و پیروزی بایدن انجامید، دونالد ترامپ مسئله فعالیت‌های اقتصادی هانتز بایدن، فرزند جو بایدن در اروپا را به دفعات پیش کشید و می‌گفت «میل‌های وحشتناکی» وجود دارد که نشان می‌دهد خانواده بایدن با چطور پول‌هایی سر و کار دارند.

درهمان مقطع مقامات قضایی در کشور اوکراین نیز پرونده‌ای درخصوص بایدن به جریان انداخته‌اند که بر اساس اسناد موجود، جو بایدن به فساد گسترده در خاک اوکراین محکوم شده است. البته ترامپ که خود یکی از فاسدترین روسای جمهور آمریکا لقب گرفته است برای این افشاکاری هزینه سنگینی پرداخت و دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان به رهبری «نانسی بلسی» حتی تلاش کردند تا به این بهانه ترامپ را تبدیل به چهارمین رئیس‌جمهور استیضاح‌شده این کشور بعد از «اندرو جکسون»، «ریچارد نیکسون» و «بیل کلینتون» تبدیل کنند.

ماجرای فساد خانوادگی بایدن در اروپا از انجا شروع شد که در سال ۲۰۱۴ جو بایدن به عنوان معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا رهبری‌کننده اعتراضات هدایت‌شده از طرف غرب در میدان «روپا» در کیف را برعهده داشت که به برکناری ویکتور یانوکویچ رئیس‌جمهور اوکراین انجامید، اما اعلام استخدام پسر او، هانتز بایدن در یک شرکت سرشاس حوزه گاز طبیعی در اوکراین منازحه‌آفرین شد.

سروان شدن یانوکویچ دولت اوپاما را بر آن داشت تا سریعاً به سراغ عمیق‌تر کردن روابطش با دولت جدید اوکراین برود. جو بایدن در این روند یک نقش رهبری‌کننده ایفا کرد و بر این راستا به اوکراین سفر کرد و بارها با رئیس‌جمهور جدید متمایل به غربی که بعد از سرنگونی یانوکویچ در تاجرای روی کار آمد گفت‌وگو انجام داد. مشخص شدن نقش تجاری پسر جوبایبدن در اوکراین باعث نگرانی آن دسته از فعالان ضد فساد شد که معتقد بودند شرکت بورisma یودینگز به دنبال افزایش نفوذ دموکرات در اوکراین است. حقوق خود هانتز بایدن در شرکت بورisma انرژی به ۱۰ هزار دلار در ماه می‌رسید که برای یک مدیر حتی در قامت شرکت‌های بزرگ آمریکایی نیز زیاد است. اما اندکی بعد، این انتصاب‌ها و سرمایه‌گذاری‌های نتیجه‌ی خود را نشان داد.

سیاسی
Siyasi@kayhan.ir

گفت‌وگو با آیت‌الله محسن اراکی، عضو مجلس خبرگان درباره نرم‌افزار حکمرانی

عذری برای غفلت از فقه اجتماعی پذیرفته نیست



رهبر انقلاب اسلامی در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، نیاز حکومت اسلامی به ابزارهای مناسب از منظومه معرفتی اسلام را تشریح نموده و بر لزوم به‌روز کردن تفکر اسلامی به‌عنوان نرم‌افزار حکومت اسلامی تأکیدکرده و فرمودند: «هر چه نظام اسلامی گسترش پیدا می‌کند و دامنه فعالیت نظام اسلامی گسترده‌تر می‌شود و افزایش پیدا می‌کند و میدان‌های تازه‌ای در مقابل جمهوری اسلامی باز می‌شود و با چالش‌های جدیدی مواجه می‌شود – چالش‌هایی که قبلاً وجود نداشتند؛ چون هر چه می‌گذرد، چالش‌های جدید، میدان‌های جدید، کارهای جدید مطرح می‌شود برای نظام اسلامی – به همین تناسب احتیاج دارد که آن نرم‌افزار را، آن مجموعه معنوی را نویسنه تجدید حیات کند و به‌روز کند. این، آن چیزی است که از فضایی صاحب‌نظر و متفکر، بچد باید مطالبه بشود و این کار باید انجام بگیرد.»
پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.R در گفت‌وگویی با آیت‌الله محسن اراکی، عضو مجلس خبرگان رهبری به تبیین چیستی و چگونگی مطالبه اندیشه‌ورزانه از عالمان دینی پرداخته است.

هستند؟ یا یعنی من معتقد هستم که اگر ما این فقه را استنباط کردیم، فردی که می‌خواهد کاندیدای مجلس شورای اسلامی شود، کسی که می‌خواهد در وزارت برسد، یا کاندیدای ریاست‌جمهوری شود، هر کدام به تناسب حیطه کاری خویش باید با نظام اسلامی در حوزه اقتصاد و فرهنگ آشنا باشد. این مرحله‌ای است که باید انجام شود. به بیان دیگر، وقتی فقه نظام استنباط شد، مرحله قبل از اجرا این است که مهربانی که برای استنباط شده، در عمل اجرا شود. این‌ها برای نظام اسلامی نیست، بلکه جامعه‌ای بود که افراد مسلمان در آن زندگی می‌کردند، اما از انسان‌ها دوگونه رفتار سر می‌زدند: رفتارهای اجتماعی اسلامی نداشتیم و انسان کالایی که بخواهد رفتار خود را بر طبق اسلام تنظیم کند، شکل نگرفته بود چون حاکمیت اسلامی نبود؛ اراده انسان‌ها در قالب یک نظام اجتماعی اعمال می‌شد، بلکه نتخوره بود؛ انقلاب به ش، مثل انسان کلان اسلامی متولد شد. انسان کلان اسلامی، یعنی مجموعه انسان‌هایی که آنچه این مجموعه انسان‌ها را به هم پیوند می‌دهد، نظام اسلامی است و آن حاکمی که اینها را به هم پیوند می‌دهد و اراده‌اش این اراده‌ها را به اراده واحد تبدیل می‌کند، حاکم اسلامی است؛ پس ما اینجا یک انسان کلان اسلامی پیدا کردیم، یک جامعه‌ای پیدا کردیم که ما معتقد هستیم که می‌تویم.

چرا جامعه اسلامی است؟ چون جامعه‌ای است که خاضع برای حاکمیت اسلامی است؛ یعنی فرمان و اراده حاکمیت اسلامی را پذیرفته است و در انتخابات شرکت می‌کند، انتخاباتی که بر مبنای اراده کلان تنظیم می‌شود؛ در مسائل گوناگون سیاسی از این نظام اسلامی پیروی می‌کند؛ این جامعه که پدیده جدیدی است، خواهناخواه خود را می‌خواهد. ما باید فقه رفتار اجتماعی این انسان را استنباط کنیم. مقدار بسیار اندکی از این فقه قبل از انقلاب استنباط شده است. به‌عنوان مثال، در فقه در مورد اصل حکومت به مسئله ولایت فقیه پرداخته شده است. فقهای ما در دوران‌های متعدد گفته‌اند که اگر جامعه بخواهد به یک جامعه واحد اسلامی

ما الآن آمدیم فقه را استنباط کردیم، اگر فقه استنباط شد که بخشی از این فقه استنباط هم شده است، سؤال این است که مجریان و دستگاه‌های اجرایی تا چه حد با این فقه آشنا هستند؟ یعنی من معتقد هستم که ما اگر این فقه را استنباط کردیم، فردی که می‌خواهد کاندیدای مجلس شورای اسلامی شود، کسی که می‌خواهد به وزارت برسد، یا کاندیدای ریاست‌جمهوری شود، هر کدام به تناسب حیطه کاری خویش باید با نظام اسلامی حوزه اقتصاد و فرهنگ آشنا باشد. این مرحله‌ای است که باید انجام شود.



نمی‌شود از فقه اقتصادی هیچ اطلاعی نداشته باشد و نتواند بین نظام بانکی اسلامی و نظام بانکی غیراسلامی تفکیک قائل شود. وقتی مجریان به این حوزه تسلط نداشته باشند، ما در اجرا دچار مشکل می‌شویم. پس آن وقتی که نظام فقهی تدوین شد و آموزش هم انجام گرفت، اینجا باید انتظار داشته باشیم که فقه اجرایی شود. به نظر می‌آید که رهبر انقلاب تأکید خاصی بر مرحله اول دارند که حوزه‌های علمیه وظیفه دارند تنظیم کنند، نیاز به فقه تنظیم این رفتارها داریم، ما می‌خواهیم اقتصاد اسلامی داشته باشیم؛ اما غیر از معاملات بیان شده در کتب فقهی همچون بیع، اجاره و مضاربه است. ما در زمان حکومت پهلوی هم که حاکمیت اسلامی نداشتیم، مردم از این معاملات با ما داشتند، حالا اگر کسی در یک جامعه غیراسلامی برود و زندگی کند، باز هم معامله و خرید و فروش دارد، ازدواج می‌کند و این رفتارها را دارد؛ رفتار انسانی که در یک نظام حکومتی اسلامی قرار می‌گیرد، احتیاج به فقه خاصی خود دارد. این انتظار رهبر انقلاب از حوزه‌ها است، که این فقه را استنباط کند.

برای تحقق جامعه دینی چه برنامه‌هایی باید انجام شود؟ به‌عبارت دیگر، تدبیر چه اموری برای اینکه فقه در جامعه محقق شود و جامعه به‌معنای دقیق آن بر اساس شریعت اداره شود، لازم است؟

به نظرمد دو برنامه لازم است؛ یکی اصل استنباط فقه نظام و فقه نظامات است؛ این کاری است که رهبر انقلاب از حوزه‌ها انتظار دارند. بعد از این کار که امر بسیار مهمی است، کار اجرات است؛ هر مقدماتی نیاز دارد. ما الآن آمدم فقه را استنباط کردیم، اگر فقه استنباط شد که بخشی از این فقه استنباط هم شده است، سؤال این است که مجریان و دستگاه‌های اجرایی تا چه حد با این فقه آشنا

وجود داشت که پاسخگوی نیازهای نظام باشند؛ اما الآن وقت آن رسیده است؛ به‌ویژه در آغاز چهل‌م دوم انقلاب، دیگر حوزه‌عذری در نبرداختن به این بخش از نیاز جامعه اسلامی ندارد. امروز بانک یک پدیده مربوط به نظام اجتماعی است. آنسانی که بخواهد تکی زندگی کند، نیاز هر کدام به تناسب حیطه کاری خویش باید با نظام اسلامی در حوزه اقتصاد و فرهنگ آشنا باشد. این مرحله‌ای است که باید انجام شود. به بیان دیگر، وقتی فقه نظام استنباط شد، مرحله قبل از اجرا این است که مهربانی که برای استنباط شده، در عمل اجرا شود. این‌ها برای نظام اسلامی نیست، بلکه جامعه‌ای بود که افراد مسلمان در آن زندگی می‌کردند، اما از انسان‌ها دوگونه رفتار سر می‌زدند: رفتارهای اجتماعی اسلامی نداشتیم و انسان کالایی که بخواهد رفتار خود را بر طبق اسلام تنظیم کند، شکل نگرفته بود چون حاکمیت اسلامی نبود؛ اراده انسان‌ها در قالب یک نظام اجتماعی اعمال می‌شد، بلکه نتخوره بود؛ انقلاب به ش، مثل انسان کلان اسلامی متولد شد. انسان کلان اسلامی، یعنی مجموعه انسان‌هایی که آنچه این مجموعه انسان‌ها را به هم پیوند می‌دهد، نظام اسلامی است و آن حاکمی که اینها را به هم پیوند می‌دهد و اراده‌اش این اراده‌ها را به اراده واحد تبدیل می‌کند، حاکم اسلامی است؛ پس ما اینجا یک انسان کلان اسلامی پیدا کردیم، یک جامعه‌ای پیدا کردیم که ما معتقد هستیم که می‌تویم.

چرا جامعه اسلامی است؟ چون جامعه‌ای است که خاضع برای حاکمیت اسلامی است؛ یعنی فرمان و اراده حاکمیت اسلامی را پذیرفته است و در انتخابات شرکت می‌کند، انتخاباتی که بر مبنای اراده کلان تنظیم می‌شود؛ در مسائل گوناگون سیاسی از این نظام اسلامی پیروی می‌کند؛ این جامعه که پدیده جدیدی است، خواهناخواه خود را می‌خواهد. ما باید فقه رفتار اجتماعی این انسان را استنباط کنیم. مقدار بسیار اندکی از این فقه قبل از انقلاب استنباط شده است. به‌عنوان مثال، در فقه در مورد اصل حکومت به مسئله ولایت فقیه پرداخته شده است. فقهای ما در دوران‌های متعدد گفته‌اند که اگر جامعه بخواهد به یک جامعه واحد اسلامی

ما الآن آمدیم فقه را استنباط کردیم، اگر فقه استنباط شد که بخشی از این فقه استنباط هم شده است، سؤال این است که مجریان و دستگاه‌های اجرایی تا چه حد با این فقه آشنا هستند؟ یعنی من معتقد هستم که ما اگر این فقه را استنباط کردیم، فردی که می‌خواهد کاندیدای مجلس شورای اسلامی شود، کسی که می‌خواهد به وزارت برسد، یا کاندیدای ریاست‌جمهوری شود، هر کدام به تناسب حیطه کاری خویش باید با نظام اسلامی حوزه اقتصاد و فرهنگ آشنا باشد. این مرحله‌ای است که باید انجام شود.

هستند؟ یا یعنی من معتقد هستم که اگر ما این فقه را استنباط کردیم، فردی که می‌خواهد کاندیدای مجلس شورای اسلامی شود، کسی که می‌خواهد در وزارت برسد، یا کاندیدای ریاست‌جمهوری شود، هر کدام به تناسب حیطه کاری خویش باید با نظام اسلامی حوزه اقتصاد و فرهنگ آشنا باشد. این مرحله‌ای است که باید انجام شود.

ما که می‌خواهیم نظام اسلامی ارائه دهیم، باید این نظام را از منابع دینی استنباط کنیم و این احتیاج به سه نوع کار علمی دارد؛ اول اینکه ما روش استنباط را به‌مورد کامل بشناسیم. روش که همان علم‌الاصول است را کامل فراگرفته و به‌کار ببریم. این را به جرأت عرض می‌کنم که ما در دانش‌های علوم انسانی در سراسر جهان، هیچ رشته دانشی نداریم که مانند علم فقه، علم

روشناسی‌اش این قدر گسترده، دقیق، برهانی، منسجم، منط و مبتنی بر معیارها و مبای عقلانی باشد؛ یک علمی است به نام علم اصول فقه که منظور از آن اصولی است که بر مبنای آن اصول احکام فقهی استنباط می‌شود. مجموعه علم اصول مجموعه روش‌شناسی فقه است؛ علم و روش استنباط احکام فقهی است؛ این علم گسترده‌ای است، این علم تخصص می‌خواهد، اگر کسی بخواهد واقفاً متخصص شود، باید درس جدی اجتهاد بخواند. اولین مقدمه، فراگرفتن علم اصول استنباط درست است.

اگر کسی خوب اصول فقه را فرا گرفت، باید به منابع فقهی احاطه پیدا کند؛ یعنی قرآن کریم را باید بفهمد. همچنین تسلط بر روایات لازم است. حوزه فقه فردی است، که حوزه فقه کلان اجتماعی. اگر کسی خوب اصول فقه را فرا گرفت، باید به منابع فقهی احاطه پیدا کند؛ یعنی قرآن کریم را باید بفهمد. همچنین تسلط بر روایات لازم است. حوزه فقه فردی است، که حوزه فقه کلان اجتماعی. اگر کسی خوب اصول فقه را فرا گرفت، باید به منابع فقهی احاطه پیدا کند؛ یعنی قرآن کریم را باید بفهمد. همچنین تسلط بر روایات لازم است. حوزه فقه فردی است، که حوزه فقه کلان اجتماعی. اگر کسی خوب اصول فقه را فرا گرفت، باید به منابع فقهی احاطه پیدا کند؛ یعنی قرآن کریم را باید بفهمد. همچنین تسلط بر روایات لازم است. حوزه فقه فردی است، که حوزه فقه کلان اجتماعی.

روشناسی‌اش این قدر گسترده، دقیق، برهانی، منسجم، منط و مبتنی بر معیارها و مبای عقلانی باشد؛ یک علمی است به نام علم اصول فقه که منظور از آن اصولی است که بر مبنای آن اصول احکام فقهی استنباط می‌شود. مجموعه علم اصول مجموعه روش‌شناسی فقه است؛ علم و روش استنباط احکام فقهی است؛ این علم گسترده‌ای است، این علم تخصص می‌خواهد، اگر کسی بخواهد واقفاً متخصص شود، باید درس جدی اجتهاد بخواند. اولین مقدمه، فراگرفتن علم اصول استنباط درست است.

اگر کسی خوب اصول فقه را فرا گرفت، باید به منابع فقهی احاطه پیدا کند؛ یعنی قرآن کریم را باید بفهمد. همچنین تسلط بر روایات لازم است. حوزه فقه فردی است، که حوزه فقه کلان اجتماعی. اگر کسی خوب اصول فقه را فرا گرفت، باید به منابع فقهی احاطه پیدا کند؛ یعنی قرآن کریم را باید بفهمد. همچنین تسلط بر روایات لازم است. حوزه فقه فردی است، که حوزه فقه کلان اجتماعی. اگر کسی خوب اصول فقه را فرا گرفت، باید به منابع فقهی احاطه پیدا کند؛ یعنی قرآن کریم را باید بفهمد. همچنین تسلط بر روایات لازم است. حوزه فقه فردی است، که حوزه فقه کلان اجتماعی.

صفحه ۷

پنج‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

۱۶ رمضان ۱۴۴۲ – شماره ۲۲۷۳۵

ابهاماتی در خصوص

نگارش توافق

بازگشت به برجام؛

آیا دوباره «پراوتزها»

ظاهر شده‌اند؟!

■ **حنیف غفاری**

سید عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه کشورمان و نماینده جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات جدید با اعضای ۴۰۱ بر سر احیای برجام، تأکید کرده است که مسیر پیش رو (مسیر احیای برجام) آسان و بدون پرپیچ و خم نیست؛ او تأکید کرده است که این مسیر پر از سنگلاخ بوده و اختلافات طرفین (خصوصاً ایران و آمریکا) بر سر نحوه احیای برجام و بازگشت به تعهداتی که در توافق هسته‌ای منظر قرار گرفته، هنوز بر طرف نشده است. با این حال مقامات وزارت امور خارجه کشورمان تأکید دارند که مذاکرات در مسیر درستی قرار دارد؛ بر همین اساس، هفته گذشته نمایندگان ایران، روسیه، ترویبکای اروپایی و چین از آغاز روند نگارش «توافق» خبر دادند.

■ **نگارش توافق یا «احیای توافق»؟**

ایران و کشورهای حاضر در مذاکرات هسته‌ای می‌گویند به مرحله نگارش متن توافق درباره بازگشت به برجام رسیده‌اند. عبارتی آشنا برای آنهایی که مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه کشورهای ۵+۱ در سال‌های اخیر دنبال کرده‌اند. نگارش متن در روند گفت‌وگوهای منتهی به برجام البته مسیری طولانی بود. پذیرفتن برای اینکه از پیشرفت کار خود مطلع باشند، تصمیم گرفتند با آغاز مکتوب کردن آنچه بر سر آن توافق حاصل شد، مسیر مشخص‌تری برای ادامه راه در پیش داشته باشند.شکیه بورونیز در این خصوص گزارش داده است:

«این نگارش متن البته به بیان بسیاری از دیپلمات‌ها بر بود از پراوتزها، پراوتزهایی که هرچه تعدادشان بیشتر بود، نشان از فراوان بودن تعداد مواردی بود که هنوز بر سر آنها توافق حاصل نشده است. اما حالا و در مذاکراتی که در وین در حال برگزاری است، طرفین می‌گویند در مذاکرات و استاید مسلط بر استنباط هم وارد این صحنه‌ها شده‌اند که امیدواریم به‌زودی بتوانیم دستگاه‌های نظام‌مند فقهی را برای همه رشته‌های مورد نیاز جامعه خود داشته باشیم، این‌شالله.

■ **رهبر انقلاب در دیدار اخیرشان با اعضای مجلس خبرگان رهبری به این نکته اشاره کردند که ما باید مفاهیم ارزشمند دینی را به جامعه بشناسیم و عمل این کار لازم است که این مفاهیم به یک عامل تبدیل شود تا سبک زندگی مومنانه را شکل دهد. مثل، موساسی که در دوره کرونا شکل گرفت و ناشی از مضمون همان آیات و روایاتی هست که رسیدگی به امور مسلمین را واجب می‌داند. به نظر شما این مهم چگونه محقق می‌شود؟**

تحقق این نکته احتیاج به یک هنرمندی و آشنایی با جامعه دارد؛ یعنی باید با زبان جامعه و با سبک ادبیات اجتماعی آشنا باشیم. ما اگر می‌خواهیم با جامعه کار کنیم، باید زبان جامعه را داشته باشیم و همچنین احتیاج دارد که بر احکام فقهی و ارزش‌های دینی و معرفتی تسلط داشته باشیم؛ خوب فهمیدن شرط اصلی خوب گفتن است. کسی می‌تواند مطلب خوب را بیان کند که مطلب را خوب فهمیده باشد. خوب این زبان جامعه هم می‌گوییم، چند زبان است. ما یک زبانی داریم که در قرآن کریم از آن به زبان تبلیغ تعبیر شده است و انبیاء مأمور ابلاغش هستند. همان چیزی که ما از آن به رسانندگی در زبان فارسی تعبیر می‌کنیم که زبان باید رساننده باشد. زبان رساننده، یعنی زبان اثرگذار و زبانی که مطلب را نه‌تنها به گوش طرف، بلکه به دل طرف برساند. داشتن بیان دل‌نشین و رفتار مناسب خیلی مهم است.

گاهی ما یک ایده‌ای را باید با رفتار بیان کنیم، خیلی از ایده‌ها وقتی با رفتار بیان می‌شوند، اثرگذارتر و دلنشین‌تر می‌شود. در بین علمای گذشته ما همیشه افرادی که با علما هم‌نشین بودند، اخلاق آن عالم در رفتار اطرافیان دیده می‌شد؛ چون هم‌نشین عالمی بوده‌اند، تقوای آن عالم در او اثر کرده است، رفتار او از رفتار عالم اثر پذیرفته است؛ درس اخلاقی هم برایش نگفته است، اما آن رفتار اخلاقی مدارانه اثر خود را گذاشته است.

گاهی ما یک ایده‌ای را باید با رفتار بیان کنیم، خیلی از ایده‌ها وقتی با رفتار بیان می‌شوند، اثرگذارتر و دلنشین‌تر می‌شود. در بین علمای گذشته ما همیشه افرادی که با علما هم‌نشین بودند، اخلاق آن عالم در رفتار اطرافیان دیده می‌شد؛ چون هم‌نشین عالمی بوده‌اند، تقوای آن عالم در او اثر کرده است، رفتار او از رفتار عالم اثر پذیرفته است؛ درس اخلاقی هم برایش نگفته است، اما آن رفتار اخلاقی مدارانه اثر خود را گذاشته است.

گاهی ما یک ایده‌ای را باید با رفتار بیان کنیم، خیلی از ایده‌ها وقتی با رفتار بیان می‌شوند، اثرگذارتر و دلنشین‌تر می‌شود. در بین علمای گذشته ما همیشه افرادی که با علما هم‌نشین بودند، اخلاق آن عالم در رفتار اطرافیان دیده می‌شد؛ چون هم‌نشین عالمی بوده‌اند، تقوای آن عالم در او اثر کرده است، رفتار او از رفتار عالم اثر پذیرفته است؛ درس اخلاقی هم برایش نگفته است، اما آن رفتار اخلاقی مدارانه اثر خود را گذاشته است.

گاهی ما یک ایده‌ای را باید با رفتار بیان کنیم، خیلی از ایده‌ها وقتی با رفتار بیان می‌شوند، اثرگذارتر و دلنشین‌تر می‌شود. در بین علمای گذشته ما همیشه افرادی که با علما هم‌نشین بودند، اخلاق آن عالم در رفتار اطرافیان دیده می‌شد؛ چون هم‌نشین عالمی بوده‌اند، تقوای آن عالم در او اثر کرده است، رفتار او از رفتار عالم اثر پذیرفته است؛ درس اخلاقی هم برایش نگفته است، اما آن رفتار اخلاقی مدارانه اثر خود را گذاشته است.

گاهی ما یک ایده‌ای را باید با رفتار بیان کنیم، خیلی از ایده‌ها وقتی با رفتار بیان می‌شوند، اثرگذارتر و دلنشین‌تر می‌شود. در بین علمای گذشته ما همیشه افرادی که با علما هم‌نشین بودند، اخلاق آن عالم در رفتار اطرافیان دیده می‌شد؛ چون هم‌نشین عالمی بوده‌اند، تقوای آن عالم در او اثر کرده است، رفتار او از رفتار عالم اثر پذیرفته است؛ درس اخلاقی هم برایش نگفته است، اما آن رفتار اخلاقی مدارانه اثر خود را گذاشته است.